

شام خداوند

آیات اصلی

متی ۲۶:۲۶-۲۹ آخرین شام عیسی، اولین شام خداوند.
مرقس ۲۵-۲۲:۱۴ آخرین شام عیسی، اولین شام خداوند.
لوقا ۲۰-۱۷:۲۲ آخرین شام عیسی و اولین حکم در بجا آوردن شام خداوند.
یوحنا ۶:۴۸-۵۹ بدن عیسی و خون او برای اینکه ما آن را بخوریم و بیاشامیم.
اول قرن‌تین ۱۷-۱۶:۱۰ شراکت در بدن و خون مسیح.
اول قرن‌تین ۳۴-۱۷:۱۱ شرکت کردن در شام خداوند به طریقی شایسته.

شام خداوند چیست؟

شام خداوند، یک روز پیش از آن که خداوندمان بمیرد، برای نخستین بار توسط وی مقرر شد. این شام شام فصیح بود که در آخرین هفته زندگی عیسی در عید فصیح خورده می‌شد. خدا به یهودیان حکم فرموده بود که هر سال عید فصیح را به یادگاری رهایی‌اشان از مصر جشن بگیرند (خروج ۲۰-۱:۱۲). خدا حکم فرمود که در عید فصیح، فقط نان فطیر خورده شود. در اول قرن‌تین ۷:۵ پولس رسول می‌گوید مسیح قربانی فصیح ما است. بنابراین مسیحیان بجای عید فصیح شام خداوند را برگزار می‌کنند.

عیسی به ما حکم کرده است که شام خداوند را بجا آوریم. در اناجیل این حکم تنها در لوقا ۱۹:۲۲ ذکر شده است اما پولس رسول در اول قرن‌تین ۲۵-۲۳:۱۱ بر روی اجرای این حکم تأکید می‌کند. مسیحیان اولیه شام خداوند را پیوسته برگزار می‌کردند (اعمال ۲:۴۲-۷).

با بررسی چهار روایتی که در اناجیل متی، مرقس، لوقا و اول یوحنا در مورد شام خداوند وجود دارد، درمی‌یابیم که هیچیک از آنها به تنهایی تمام سخنان عیسی را در این مورد در خود ندارند. اما ما با ترکیب هر چهار روایت می‌توانیم روایت جامعی چون روایت زیر داشته باشیم.

بگیری و بخورید این است جسد من که برای شما داده می‌شود. این را به یاد من بجا آرید. این است خون من از عهد جدید (یا) این است خون ما در عهد جدید که در راه بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته

می‌شود. همه شما از این بنوشید...هرگاه این را بنوشید، به یادگاری من بکنید (متی ۲۹-۲۶:۲۶، مرقس ۲۵-۲۲:۱۴، لوقا ۲۰-۱۷:۲۲، اولی قرن‌تیاں ۲۵-۱۱:۲۳).

در تاریخ کلیسا، شام خداوند به طرق مختلف بجا آورده شده است. امروزه در بسیاری از کلیساها، شام خداوند هر هفته برگزار می‌شود. بسیاری دیگر از کلیساها سالی سه یا چهار بار شام خداوند را برگزار می‌کنند. بسیاری از کلیساها از نان فطیر و شراب معمولی استفاده می‌کنند، یعنی این آیین را همانگونه که یهودیان زمان عیسی بجا می‌آوردند، بجا می‌آورند. اما بسیاری از کلیساها از نان تخمیر شده و آب انگور تخمیر شده استفاده می‌کنند. معمولاً پیش از برگزاری این آیین اعتراف گناهان انجام می‌شود. در بسیاری از کلیساها مسیحیان به جلوی منبر کلیسا رفته و نان و شراب را؛ می‌خورند درحالی که در برخی کلیساها اشخاص در جای خود نشسته میمانند و نان و شراب به آنها داده می‌شود.

در بسیاری از کلیساهای بزرگ هر شخص شراب را در پیاله‌ای منفرد می‌نوشد درحالی که در برخی کلیساها ترجیح می‌دهند که همانند نخستین شام خداوند همه اعضا مشترکاً از یک یا چند پیاله بزرگتر شراب را بنوشند. کلیساهای اندکی نیز وجود دارند که پیش از برگزاری شام خداوند، اعضا پای یکدیگر را می‌شویند (یوحنا ۱۷-۱:۱۳).

بدن و خون عیسی

عیسی فرمود: «این است جسد من... این است خون من» مسیحیان در مورد معنای این کلام عیسی دیدگاههای متفاوتی دارند. برخی مسیحیان براین باورند که خون و بدن واقعی عیسی، به شکلی ماورای طبیعی و روحانی در نان و شراب شام خداوند حاضر است. این مسیحیان به اول قرن‌تیاں ۱۰:۱۶ اشاره می‌کنند که می‌گوید برخوردار شدن از نان و پیاله شراکت در بدن و خون عیسا است. آنان همچنین به اول قرن‌تیاں ۱۱:۲۷، ۲۹ اشاره می‌کنند که پولس رسول می‌گوید اگر کسی به طریقی ناشایست در شام خداوند شرکت کند مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود. عیسی فرمود: «زیرا که جسد من، خوردنی حقیقی و خون من، آشامیدنی حقیقی است. پس هر که جسد مرا می‌خورد و خون مرا می‌نوشد، در من می‌ماند و من در او» (یوحنا ۵۶-۵۵:۶).

{P} - برخی از این مسیحیان براین باورند که بدن و خون واقعی عیسی حقیقتاً در نان و شراب در دسترس ماست. برخی دیگر براین باورند که روح‌القدس بدن و خون عیسی را که در آسمان است در دسترس ایمانداران قرار می‌دهد. {P}

بسیاری از مسیحیان اعتقاد ندارند که بدن و خون واقعی عیسی در شام خداوند حضور دارد. از آنجایی که عیسی هنگامی که برای نخستین بار بجا آوردن شام خداوند را مقرر داشت هنوز بر صلیب نمرده بود، آنان بر این باورند که منظور عیسی این بود که «این نان معرف و نمایانگر بدن من» و «این شراب معرف و نمایانگر خون من است». این مسیحیان بر این باورند که مطالب یوحنا ۵۶-۵۵:۶ به خوردن تحت‌اللفظی بدن و خون عیسی اشاره نمی‌کند بلکه منظور از این آیات ایمان داشتن به مسیح است. در یوحنا ۳۵:۶ عیسی می‌فرماید: «کسی که نزد من آید هرگز گرسنه نشود و هر که به من ایمان آرد هرگز تشنه نگردد.» بنابراین این مسیحیان می‌گویند که شراکت در بدن و خون مسیح به معنای ایمان داشتن به اوست.

چرا ما شام خداوند را بجا می‌آوریم؟

عیسی به ما حکم کرد که شام خداوند را بجا آوریم. اما مواقعی وجود دارند که اشخاص در آن شرکت نمی‌کنند. در اول قرن‌تین ۲۷:۱۱ پولس رسول به ما می‌گوید که ما نباید بطور ناشایسته در شام خداوند شرکت کنیم. از آنجایی که هیچیک از ما بخودی خود شایسته نبودیم که عیسی برایمان بمیرد و سپس از آمرزش گناهان برخوردار شویم، پس ژچگونه باید به شکلی «شایسته» در شام خداوند شریک شویم؟ پاسخ این است که ما ابتدا باید خودمان را بیازماییم، گناهانمان را اعتراف کنیم و توبه نماییم. تنها پس از آن ما می‌توانیم در شام خداوند شرکت جویم (اول قرن‌تین ۳۱-۲۸:۱۱، اول یوحنا ۱:۹).

بنابراین هنگامی که شخصی مرتکب گناهی شده و هنوز این گناه را اعتراف نکرده، مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود (اول قرن‌تین ۲۷:۱۱). چنین شخصی فتوای خود را می‌خورد و می‌نوشد که در چنین حالتی شخص ممکن است دچار ضعف، بیماری یا حتی مرگ شود. (اول قرن‌تین ۳۰-۲۹:۱۱). به این موضوع باید به شکلی جدی توجه کرد. بسیاری از کلیساها اجازه نمی‌دهند که ایمان‌داری که به زندگی خود در گناهی اعتراف شده ادامه می‌دهد در شام خداوند شرکت کند زیرا این عمل وی ممکن است باعث شود که وی تحت داوری قرار گیرد. اگر چه شرکت در شام خداوند بدون توبه کردن عملی خطرناک است، اما خودداری از توبه کردن عملی خطرناکتر است! اگر ما مرتکب گناه شده‌ایم، باید گناه خود را اعتراف کنیم، توبه نماییم و آنگاه به سفره خداوند نزدیک شویم.

همه مسیحیان بر این باورند که شام خداوند زمانیست که باید با اعتراف گناهان و توبه، مرگ مسیح را بیاد آوریم، زیرا عیسی از ما خواست که هنگامی که از بدن و خون او می‌خوریم و می‌نوشیم، مرگ او را بیاد آوریم (اول قرن‌تین ۲۵-۲۴:۱۱). در برگزاری شام خداوند، ما نه تنها مرگ مسیح را بیاد می‌آوریم بلکه همچنین فیضی

را اعلام می‌کنمی که بواسطه مرگ او نصیب ما می‌شود. پولس رسول می‌نویسد زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می‌نمایید تا هنگامی که بازآید (اول قرنیتان ۱۱:۲۶). بخاطر مرگ مسیح، ما از آمرزش گناه و حیات ابدی برخوردار می‌شویم. با شریک شدن در شام خداوند، ما سپاسگزاری خود را نسبت به این برکات نشان می‌دهیم. اما ما همچنین به بازگشت ثانوی مسیح می‌نگریم پس ما تا هنگامی که (مسیح) بازآید، شام خداوند را پیوسته برگزار می‌کنیم (اول قرنیتان . 11: 26)

بسیاری از مسیحیان شام خداوند را «شراکت مقدس» می‌خوانند. چنین نامگذاری‌ای به منزله تصدیق مشارکت ما با مسیح است. عیسی فرمود: «پس هرکه جسد مرا می‌خورد و خون مرا می‌نوشد، در من می‌ماند و من در او» (یوحنا ۶:۵۶). با وجود این مشارکت ما فقط به مسیح محدود نمی‌شود بلکه ما با ایمانداران دیگر نیز مشارکت داریم. مادر بدن مسیح شراکت داریم بنابراین با یکدیگر نیز شراکت داریم. یک نان وجود دارد که همانا مسیح عیسی است و اگر چه ما بسیاریم یکتا می‌باشیم چونکه همه از یک نام قسمت می‌یابیم (اول قرنیتان ۱۰:۱۷).

علاوه براین، بسیاری از مسیحیان براین باورند که شام خداوند همچنین یکی از وسایل جاری شدن فیض است یعنی یکی از طرقی که فیض خدا به ما داده می‌شود. همانگونه که توسط شام خداوند داوری واقعی ممکن است بر {P} - این مسیحیان براین باورند که تعمید آب نیز یکی از طرق فیض است. اما مسیحیان دیگر دیدگاه‌های متفاوتی در این مورد دارند (در مقالات عمومی به مقاله «تعمید آب» مراجعه کنید). {P}

ما نازل شود (اول قرنیتان ۳۲-۱۱:۲۷) به همین شکل ما می‌توانیم از برکت واقعی برخوردار شویم. این مسیحیان براین باورند که شام خداوند، آمرزش گناهان را بشکلی مخصوص تجربه می‌کنیم. عیسی فرمود: «زیرا که این است خون من در عهدجدید که در راه بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود» (متی ۲۶:۲۸). عیسی همچنین فرمود: «هرکه جسد مرا خورد و خون مرا نوشید حیات جاودانی دارد و در من می‌ماند من در او» (یوحنا ۶:۵۴-۵۶). بنابراین، این مسیحیان براین باورند که در شام خداوند خدا فیض خود را به شکلی مخصوص به ما می‌بخشد و این فیض شامل آمرزش گناهان، اتحاد با مسیح و حیات جاودانی می‌شود. این مسیحیان می‌گویند نان و شراب نشانه‌های ظاهری و مرئی فیضی درونی و روحانی هستند. درواقع شراکت در نان و شراب به تنهایی نتیجه‌ای در بر ندارد بلکه در شراکت همراه با ایمان است که ما از فیض درونی نهفته در شام خداوند برخوردار می‌شویم. اگر ما بدون داشتن ایمان در این شام شرکت کنیم نه تنها از فیض برخوردار نمی‌شویم، بلکه تحت داوری نیز قرار می‌گیریم.

گروهی دیگر از مسیحیان نیز براین باورند که فیض خاصی در شام خداوند وجود ندارد. آنان معتقدند که فیض خدا؛ توسط کلام مکتوب او در دسترس ماست. آنان باور ندارند که خدا توسط طرق یا آیینهایی خاص، ما را از فیض خویش بهره‌مند می‌سازد. این مسیحیان معتقدند هنگامی که ما به مسیح ایمان داریم، آنگاه خداوند تنها بدین معنا از جایگاهی خاص برخوردار است چون در طی آن کلیسا بعنوان یک بدن واحد گردهم می‌آید تا مرگ مسیح را بیاد آورد و این گردهم آیی صرفاً اقدامیست که در آن پرستش و شهادت مشترک دیده می‌شود.

خلاصه

مسیحیان باید پس از بررسی آیاتی که در کتاب مقدس در مورد این موضوع وجود دارد، در مورد سؤالات مربوط به این موضوع بیندیشند. در این مورد دو سؤال وجود دارد. آیا در طی شام خداوند ما واقعاً بدن و خون حقیقی عیسی را دریافت می‌کنیم؟ سؤال دوم اینکه هنگامی که ما در شام خداوند شرکت می‌جوئیم مرگ مسیح را بیاد آورده و گناهانمان را اعتراف می‌کنیم، اما آیا می‌توان گفت که بشکلی خاص نیز از آمرزش گناهان بهره‌مند می‌شویم؟ هرپاسخی نیز به سؤالات فوق بدهیم، نباید خواهران و برادران خود را که در این مورد ممکن است باورهای متفاوت از ما داشته باشند محکوم کنیم. همه ما شام خداوند را برگزار می‌کنیم. باورهای ما در مورد معنای این آیین نباید ما را از خواهر و برادرانمان که مسیح بخاطرشان مرد، جدا سازد. برخی براین باورند که در اول قرن‌های ۱۲:۱۳ هنگامی که پولس رسول می‌گوید ما یک بدنیم و در یک بدن تعمید یافتیم و از یک روح نوشانیده شدیم، او به تعمید آب و شام خداوند اشاره می‌کند. شام خداوند باید ما را بهم نزدیک سازد نه اینکه ما را از هم جدا سازد.

خواه خون مسیح واقعاً در شام خداوند حضور داشته باشد خواه حضور نداشته باشد، عیسی از ما می‌خواهد تا مرگ او و آنچه را که در اثر مرگ او نصیب ما می‌شود بیاد آوریم. مرگ او نتایج بسیاری برای ما به ارمغان آورده است منجمله: عادل شمردگی (رومیان ۹:۵)، فدیة و آمرزش گناهان (افسیان ۲:۱۳، کولسیان ۱:۲۰)، دسترسی داشتن به رحمت الهی (عبرانیان ۱۰:۱۹)، پاک شدن از گناهان (اول یوحنا ۱:۷) و غالب شدن بر دشمن (مکاشفه ۱۱:۱۲). آه که خون مسیح چقدر گرانبهاست!

نحوه اداره کلیسا

آیات اصلی

اعمال ۶-۱: رسولان و شماسان اولیه.

اول قرن‌تین ۱۲:۲۸ خدمات در کلیسا: و خدا قرار داد... اول رسولان، دوم انبیاء، سوم معلمان، بعد ... واعانات و تدابیر.

افسیان ۲:۲۰ بر بنیاد رسولان و انبیاء بنا شده‌اید که خود عیسی مسیح سنگ زاویه است.

افسیان ۱۳-۴:۱۱ و مسیح به کلیسا بخشید رسولان... انبیا... مبشرین... شبانان و معلمان را.

اول تیموتاؤس ۱۳-۳:۱ ویژگیهای اسقفان و شماسان.

اول تیموتاؤس ۲۰-۵:۱۷ خدمت، اجرت و توبیخ کشیشان

تیطس ۹-۱:۵ ویژگیهای کشیشان و اسقفان.

کلیسا

واژه کلیسا در یونانی به معنای «جمع» یا «گردهمایی» اشخاصی است که برای هدفی خاص «خوانده» شده‌اند. کلیسای مسیحی توسط خدا «خوانده» شده است تا قوم او باشد (اول پطرس ۱۰-۲:۹). واژه «کلیسا» می‌تواند به گردهم آیی ایمانداران در محلی خاص بکار رود و نیز می‌تواند به کل جماعت ایمانداران در سرتاسر جهان اطلاق شود. هرجایی که سه یا چهار ایماندار گردهم جمع شوند آنجا کلیسایی محلی محسوب می‌شود. تمامی ایمانداران جهان همراه با یکدیگر کلیسای جهانی و روحانی را تشکیل می‌دهند. تمام کسانی که اعتراف می‌کنند به عیسی ایمان دارند و در نام او تعمید گرفته‌اند، عضو یک کلیسا می‌شوند (اول قرن‌تین ۱۲:۱۳)، اما تنها خدا می‌تواند بداند که چه کسانی حقیقتاً ایمان دارند (متی ۳۰-۳۰:۲۴، ۴۳-۳۶).

کلیسا بر بنیادی که توسط رسولان و انبیاء نهاده شده است و عیسی مسیح سنگ زاویه آن است، بنا شده است (متی ۱۶:۱۸، اول قرن‌تینان ۱۱:۳، افسسیان ۲۲-۲:۱۹، اول پطرس ۸-۲:۴). کلیسا توسط روح القدس تأسیس شده است (اعمال ۴۱-۳۶۴-۲:۱). روح القدس در کلیسا ساکن بوده و هیكل خداست (اول قرن‌تینان ۳:۱۶، افسسیان ۲:۲۲). کلیسا همچنین «عروس عیسی» نیز خوانده شده است (دوم قرن‌تینان ۲:۱۱، افسسیان ۲۳-۵:۲۲، مکاشفه ۱۹:۷). کلیسا همچنین «بدن مسیح» خوانده شده است (رومیان ۵-۴:۱۲، اول قرن‌تینان ۱۲:۲۷) که عیسی مسیح سر آن است (افسسیان ۱۶-۴:۱۵، ۲۳:۵، کولسیان ۱:۱۸).

عیسی خودش رهبران به کلیسا می‌بخشد یعنی رسولان، انبیاء و مبشرین، شبانان و معلمان (افسسیان ۴:۱۱). خدا خادمان بسیاری در کلیسا مقرر کرده (اول قرن‌تینان ۲۸:۱۲) و روح القدس عطایای خاص و قدرت می‌بخشد تا خادمان و ایمانداران قادر باشند کاری را که به آنان سپرده شده، انجام دهند (اول قرن‌تینان ۱۲۶۱۱-۷). باوجود این ما در کتاب مقدس در باره شماسان، کشیشان، اسقفان و شوراهای کلیسای مطالبی را می‌خوانیم. چگونه تمامی این رهبران و گروهها همراه با یکدیگر کار و خدمت کرده‌اند؟ چگونه کلیا تاکنون اداره شده است؟

رهبری کلیسا در کتاب مقدس

در افسسیان ۴:۱۱ پول رسول در مورد انواع مختلف رهبران سخن می‌گوید که در میان آنها رسولان رتبه نخست را دارند. واژه «رسول» در زبان یونانی به معنای «کسیست که فرستاده شده». دوازده رسول نخستین توسط خودعیسی انتخاب شدند (مرقس ۱۹-۳:۱۳). آنان نقشی منحصر بفرد داشتند و شاهد خدمت، مرگ، رستاخیز و صعود عیسی بودند (اعمال ۲۲-۱:۲۱). پولس رسول از رسالت خود براین اساس که مسیح زنده را دیده است، دفاع می‌کند (اول قرن‌تینان ۲-۱:۹، ۱۱-۱۵:۵). این رسولان اغلب از مکانی به مکانی دیگر می‌رفتند و کلیساهای جدیدی را بنا می‌نهادند. آنان تعالیمی را که اکنون در عهدجدید بدست ما رسیده است، به کلیساهای می‌دادند و در کلیسا بالاترین اقتدار را داشتند. با وجود این کتاب مقدس اشخاصی چون برنابا (اول قرن‌تینان ۶-۵:۹)، یعقوب برادر عیسی (غلاطیان ۱:۱۹)، سیلاس و تیموتاؤس (اول تسالونیکیان ۱:۱، ۷-۲:۶)، و نیز چند شخص دیگر را رسول می‌خواند (رومیان ۱۶:۷، مکاشفه ۲:۲).

در فهرست پولس درباره رهبران کلیسا در افسسیان ۴:۱۱، انبیاء در مرتبه بعدی قرار گرفته‌اند. همانند انبیای عهدعتیق، آنان کلام خدا را دریافت می‌کردند و آن را مستقیماً از خدا می‌گرفتند (اول قرن‌تینان ۱۴:۳۰). کلام ایشان شامل کلام تشویق‌آمیز، تقویت کننده و تسلی بخش بود (اعمال ۱۵:۳۲، اول قرن‌تینان ۱۴:۳۱۳). گاه نیز

کلام ایشان آینده را پیشگویی می‌کرد (اعمال ۱۱-۱۵: ۲۱۲۸: ۱۰). در اول قرن‌تین ۱۰-۱۲: ۸، نبوت بعنوان یکی از عطایای روح‌القدس برای ایمانداران ذکر شده است. پولس رسول تعلیم می‌دهد که جماعت ایمانداران باید صحت کلام انبیاء را بیازمایند (اول قرن‌تین ۳۳-۱۴: ۲۹). در کلیای اوپه تعداد چنین انبیایی فراوان بود و در میان ایشان هم زن و هم مرد دیده می‌شد (اعمال ۲۸-۱۱: ۲۷، ۱۰-۱۳: ۱۵۱: ۲۱۳۲: ۹، اول قرن‌تین ۵-۱۱: ۴، اول تیموتاؤس ۱۴: ۴).

در فهرست پولس در افسسیان ۱۱: ۴ مبشرین در رتبه سوم قرار گرفته‌اند. این واژه به معنای «کسی که خبر خوش را می‌گوید» است. فیلیپس، که جزو هفت شماس نخستین بود، مبشر نیز خوانده شده است (اعمال ۸: ۲۱). او خصوصاً این قابلیت را داشت که خبر خوش یا انجیل را در مکانهای جدید و برای مردمان جدید بیان کند (اعمال ۸-۸: ۵، ۴۰-۸: ۲۶). تیموتاؤس نیز اگر چه «رسول» خوانده شده است اما به او گفته می‌شود که عمل مبشر را بجا آورد (دوم تیموتاؤس ۵: ۴).

در فهرست پولس «شبانان» و «معلمان» در آخر ذکر شده‌اند و آنان رهبرانی بودند که کار شبانی، مشاوره، موعظه و تعلیم را در کلیسا انجام می‌دادند.

کلیسا از همان ابتدا میسیونرهایی را به اطراف و اکناف می‌فرستاد (اعمال ۳-۱۳: ۱، ۱۵: ۱۸۳۲۲۲: ۲۷). از آنجایی که واژه «رسول» به معنای «کسی که فرستاده شده» می‌باشد، برخی مسیحیان براین باورند که میسیونرها همان رسولان بودند، خصوصاً کسانی که کلیساهای جدید تأسیس می‌کردند. اما بنظر می‌رسد که مبشرین دیگری نیز بودند که خدمتشان بیشتر شبیه مبشرین یا معلمان بود. شاید هم میسیونرها خدمت متفاوت دیگری را انجام می‌دادند (به مقاله عمومی «هدف کلیسا» مراجعه شود).

واژه «کشیش» یا «شیخ» نخستین بار در مورد رهبران کلیسای اورشلیم بکار گرفته شده است (اعمال ۱۱: ۳۰). وظیفه ایشان اداره و رهبری یک کلیسای محلی بود. پولس و برنابا، در پایان نخستین سفر بشارتی‌اشان، در کلیساهایی که قبلاً تأسیس کرده بودند، کشیشانی گماردند (اعمال ۱۴: ۲۳). در اورشلیم رسولان همراه با مشایخ خدمت می‌کردند و هم پطرس و هم یوحنا خود را پیر یا شیخ می‌نامند (اول پطرس ۵: ۱، دوم و سوم یوحنا). بنابراین واژه «شیخ» یا «کشیش» به معنای عدم انجام خدمات دیگر نیست. مشایخ باید در زمینه‌هایی چون حل و فصل مسائل کیسا، (اول تیموتاؤس ۵: ۱۷)، شبانی و محافظت از آن (اعمال ۳۱-۲۰: ۲۸، اول پطرس ۴-۵: ۱)، تدهین بمیاران با روغن (یعقوب ۵: ۱۴) خدمت می‌کردند. برخی دیگر نیز باید به کار تعلیم و موعظه می‌پرداختند (اول تیموتاؤس ۵: ۱۷).

«اسقف» واژه‌ایست که پولس رسول آن را در نامه‌های آخرش بکار می‌گیرد. این واژه به معنای «ناظر» است. پولس در کلیسای فیلیپی به اسقفان اشاره می‌کند (فیلیپیان ۱:۱) و در اول تیموتاؤس باب سوم و تیطس باب اول ویژگیهای اسقفان را برمی‌شمارد.

برخی عالمان مسیحی نظرشان این است که واژه‌های «شیخ یا کشیش» و «اسقف» به خدمت واحدی اشاره می‌کنند. آنان معتقدند که واژه «شیخ» به مقام و واژه «اسقف» به خدمت یا کاری که توسط آن مقام انجام می‌شود اشاره دارد. آنان به اعمال ۲۰:۲۸۱۷ اشاره می‌کنند که در آنجا پولس با گروهی از مشایخ سخن می‌گوید و ایشان را اسقف خطاب می‌کند. در اول پطرس ۲:۵-۱ نیز، پطرس از مشایخ می‌خواهد تا خدمت نظارت یا اسقفی را انجام دهند.

گروهی از عالمان مسیحی نیز براین باورند که مشایخ و اسقفان از همان ابتدا خدماتی متفاوت در کلیسا داشتند. آنان به دو فهرست مجزای ویژگیها اشاره می‌کنند که در باب اول تیطس دیده می‌شود که فهرست کوتاه‌تر در مورد مشایخ یا کشیشان و فهرست بلندتر در مورد اسقفان است و در ابتدای هر فهرست نیز واژه بی‌ملامت قرار دارد (به تیطس ۹-۱:۵ مراجعه کنید). آنان همچنین به اول تیموتاؤس ۷-۳:۱ و ۲۰-۵:۱۷ اشاره می‌کنند که در مورد اسقفان و کشیشان در دو قسمت مجزا بحث می‌شود. از این قسمت‌ها چنین معلوم می‌شود که فقط برخی از کشیشان تعلیم می‌دادند (اول تیموتاؤس ۵:۱۷). اما فرض براین است که همه اسقفان باید راغب به تعلیم باشند (الوق تیموتاؤس ۳:۲). این مسیحیان براین باورند که تمام اسقفان کشیش بودند اما تمام کشیشان اسقف نبودند. به عبارت دیگر به برخی از کشیشان مقام اسقفی داده شده بود و کشیشان دیگر معاونان اسقف بودند.

در کلیسا همچنین «شماسان» نیز وجود داشتند (اول تیموتاؤس ۸:۳). در اعمال ۶-۶:۱ به نخستین شماسان اشاره شده است. واژه شماس به معنای «کسی که خدمت می‌کند» می‌باشد. شماسان انتخاب می‌شدند تا به مسائل روزمره و دنیوی کلیسا برسند و به فقیران و بیماران توجه کنند. پولس رسول در اول تیموتاؤس ۱۳-۳:۸ ویژگیهای شماسان را برمی‌شمارد. اگر چه شماسان بیشتر کارهای عادی و روزمره کلیسا را انجام می‌دادند، اما در انتخاب آنان داشتن حکمت و پر بودن از روح‌القدس در نظر گرفته می‌شد (اعمال ۶:۳). برای مثال استیفان (اعمال ۱۰-۶:۸۵) و فیلیپس (اعمال ۸-۴:۸۶۶۵) هر دو شماسانی بودند که خدمات روحانی بزرگی را نیز انجام می‌دادند.

ما باید این موضوع را بیاد داشته باشیم که اگر چه به رهبران کلیسا به شکل خاص اقتدار و مسئولیت داده شده است اما همه اعضای کلیسا باید پیوسته در مورد مسیح به دیگران شهادت دهند و در صورت نیاز، در کار خدمت خدا به خادمین کمک کنند.

اداره کلیسا

در طول تاریخ کلیسا چهار شیوه عمده برای اداره کلیسا وجود داشته است. این شیوه‌ها را می‌توان براساس این که عملاً چه کسی در مصدر امور است تشریح کرد. بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در کلیسا می‌تواند (۱) اسقفی باشد که بر تعدادی کلیسای محلی نظارت دارد (۲) گروهی از مشایخ باشند که بر کلیسای محلی یا مجموعه‌ای از کلیساها نظارت دارند (۳) شبانی باشد که رهبری کلیسای محلی خود را در دست دارد (۴) کل جماعت ایمانداران یک کلیسا باشند که خودشان بر امور کلیسایشان نظارت داشته و آن را نیز اداره می‌کنند. هر چهار شیوه اداره کلیسا براساس آیات خاصی از کتاب مقدس شکل گرفته‌اند و می‌توان گفت که هر یک از الگویی خاص که در کتاب مقدس وجود دارد، پیروی می‌کنند.

مسیحیانی که متعلق به کلیساهایی هستند که بالاترین مرجع قدرت اسقف است ادعا می‌کنند که ادامه دهنده نظام کلیسای هستند که از دوران رسولان بوجود آمده است. رسولان وظیفه نظارت بر کلیساهای متعدد و نیز کشیشان و مشایخشان را برعهده داشتند (اعمال ۱۷-۱۴:۸، ۲۳:۱۴) و حتی در صورت لزوم بر کلیساها «حکم کرده» «داوری نموده» و اقتدار و مرجعیت خود را بر آنها بکار می‌گرفتند (اول قرنثیان ۵:۳، ۲-۹:۱، دوم قرنثیان ۱۱-۱۰:۱، دوم تسالونیکیان ۳:۱۴، تیطس ۱:۵). این مسیحیان به نقش تیموتاؤس و تیطس در کلیسا اشاره می‌کنند که همانند نقش اسقف بود. و این اشخاص توسط پولس رسول انتخاب شده بودند تا بر کلیساهای افسس و کورت نظارت و رهبری داشته باشند (اول تیموتاؤس ۳:۱، ۲۲-۵:۱۹، تیطس ۱:۵، ۳:۱۰). آنان همچنین به اهمیت شوراهای کلیسای اورشلیم اشاره می‌کنند (اعمال بابهای ۱۱ و ۱۵)، که در آنها بطرس و یعقوب نقش رهبری کننده داشتند و احکامی صادر می‌کردند. تحت حاکمیت اسقفان، کلیساهای محلی شبانان، مشایخ و شماسان خود را داشتند اما قدرت اصلی در دستان اسقف بود.

مسیحیانی که متعلق به کلیساهایی هستند که در آنها قدرت در دست گروهی از رهبران محلی است براین باورند که رسولان فقط برای قرن اول به کلیسا داده شده بودند و از نظر ایشان نظام رهبری مشایخ شیوه ثابت اداره امور کلیساست (اعمال ۲۳:۱۴، تیطس ۱:۵). از دیدگاه ایشان واژه‌های «شیخ» و «اسقف» به منصب واحدی اشاره دارند. در این کلیساها برخی مشایخ وظیفه رهبری را دارند و برخی مشایخ دیگر وظیفه تعلیم دادن را

(اول تیموتاؤس ۵:۱۷). از نظر ایشان همچنین گروهی از شماسان نیز می‌توانند وجود داشته باشند. بسیاری از این کلیساها بخشی از ساختار سازمانی هستند که در آن گروهی بزرگتر از مشایخ، بر تعدادی از کلیساها نظارت دارند یا اینکه مشایخ کلیساهای متعدد با یکدیگر جمع می‌شوند و در مورد مسائلی که می‌تواند بر کل کلیسایشان تأثیر گذار باشد، تصمیم می‌گیرند.

در شیوه سوم اداره کلیسا اداره امور در دست یک کشیش یا شبان است. این کلیساها بر استقلال و خودمختاری کلیسای محلی تأکید می‌کنند و براین باور نیستند که کسی خارج از کلیسای محلی‌اش بتواند کلیسایشان را اداره کند. اگر چه این کلیساها ممکن است صاحب گروهی از مشایخ و شماسان باشند که در اداره امور کلیسا به شبان کمک کنند، اما در رأس امور شبان قرار دارد. این کلیساها به نمونه پولس اشاره می‌کنند که در طی سفر بشارتی خود مدتی در کلیسای توقف کرد و گاه چند سال در آنجا موعظه کرده و تعلیم می‌داد. در این مدت وی در آن کلیسای محلی از اقتدار کامل برخوردار بود. پولس بارها در کلیساهای مختلف مدتی را بسر برد (اعمال ۱۸:۱۱، ۱۴-۱۹:۱۱۰:۴۳:۱۱).

شکل چهارم اداره امور کلیسا اداره امور کلیسا را به تمامی اعضای کلیسا می‌سپرد. اگر چه این گروه چهارم در مستقل بودن کلیسای محلی با گروه سوم هم نظرند، اما از این نظر با گروه سوم اختلاف نظر دارند که معتقدند یک فرد نباید بر دیگر ایمانداران ریاست کند. مسیحیانی که چنین دیدگاهی دارند به این موضوع اشاره می‌کنند که فقط عیسی «سر» کلیسا است (کولسیان ۱:۱۸) و نیز این که عیسی به ما حکم کرده که کسی را «پیشوا»، «پدر» یا «معلم» نخوانیم (متی ۱۰:۲۳-۸). همه مسیحیان باید «کاهنان» در نظر گرفته شوند (اول پطرس ۲:۹، مکاشفه ۵:۱۰). این مسیحیان همچنین به آیاتی اشاره می‌کنند که تمامی کلیسا در امر انتخاب رهبران (اعمال ۶:۳)، تعلیم (اول قرنتیان ۱۴:۲۶) و تأدیب و تنبیه خاطیان نقش دارند (متی ۱۸:۱۶، اول قرنتیان ۵-۴:۵، دوم قرنتیان ۲:۶). بنابراین این کلیساها جلسات عمومی دارند که در آنها همه اعضا در مورد موضوعات مهم، رأی می‌دهند. این کلیساها ممکن است شبانی داشته باشند که در اکثر اوقات تعلیم و موعظه به عهده او باشد، اما در مورد کل امور کلیسا اقتدار در دست او نیست. برخی از این کلیساها بدنه رهبری خاصی ندارند اما وظیفه موعظه و تعلیم را در بین برخی اعضای کلیسا که می‌توانند این وظایف را انجام دهند تقسیم می‌کنند.

انتخاب رهبران

ویژگیهای اسقفان، کشیشان و شماسان در اول تیموتاؤس ۱۳-۳۶، تیطس ۹-۱:۵، اعمال ۶-۶:۱ بیان شده است، بنابراین دیگر در اینجا به این ویژگیها نمی‌پردازیم. برای بررسی بیشتر این ویژگیها به تفاسیر مربوط به این آیات مراجعه کنید. اما در اینجا نکاتی چند را در مورد موضوع چگونگی انتخاب رهبران ذکر کنیم.

در زمان رسولان مسیح، در کلیساهای تازه تأسیس، رهبران توسط خود رسلوان (اعمال ۱۴:۲۳) و یا توسط همکاران ایشان همچون تیموتاؤس و تیطس منصوب می‌شدند. شماسانی که در اعمال ۶-۶:۱ به آنها اشاره شده است، توسط مردم انتخاب شدند و پولس و برنابا توسط روح القدس و بواسطه نبوت انبیاء برگزیده شدند (اعمال ۳-۱۳:۱). در یک مورد نیز، برای یافتن جایگزین به جهت یهودای خیانتکار، کلیسا به قرعه متوسل شد (اعمال ۲۶-۱:۲۳). کلیسای اولیه اغلب برای انتخاب اشخاص به خدمات و سمتهای مختلف روزه می‌گرفت و دعا می‌کرد و سپس دستهای خود را بر کسانی که انتخاب شده بودند، می‌گذاشتند (اعمال ۶:۶، ۱۴۳-۲۳:۱۳، اول تیموتاؤس ۴:۵۱۴:۲۲). اغلب پیش از این دست‌گذاریها به جهت خدمت نبوت نیز می‌شد (اعمال ۳-۱۳:۱، اول تیموتاؤس ۱:۱۸، ۴:۱۴).

پس از وفات رسولان مسیح کلیساهای مختلف از سنن مختلفی پیروی کردند. در کلیساهایی که تحت نظارت اسقفان بودند، برای اینکه شخصی جزو رهبران کلیسا شود، پشت سرگذاشتن یک دوره تعلیم و مطالعه ضرورت داشت. در این کلیساها، تنها اسقفان می‌توانستند رهبران جدید را منصوب کنند و ایشان این کار را با دعا و نهادن دستها انجام می‌دادند.

کلیساهایی که توسط گروهی از مشایخ یا کشیشان اداره می‌شدند اغلب به اعضای کلیسا اجازه می‌دادند تا در انتخاب رهبران به جهت خدمت، نقشی داشته باشند، اما باز هم این مشایخ و کشیشان بودند که می‌توانستند این اشخاص را به جهت خدمت منصوب کنند و آنها نیز با دعا و نهادن دستها این کار را انجام می‌دادند.

کلیساهایی که توسط یک شبان اداره می‌شدند، اغلب توسط همان شبان تأسیس شده بودند. معمولاً چنین شبانی قبلاً تعلیمات لازم را گذرانده و درجایی دیگر به خدمت منصوب شده بود. چنین شبانانی خودشان اشخاصی را برای معاونت انتخاب می‌کردند یا هنگامی که باید آن کلیسا را ترک می‌کردند، خودشان جانشین خودشان را تعیین می‌کردند، اما معمولاً از جماعت نیز در این موارد نظرخواهی می‌شد.

کلیساهایی که توسط اعضا اداره می‌شدند، معمولاً برای تعلیم و موعظه صاحب یک شبان بودند، اما این شخص در جلسه عمومی اعضا و توسط رأی ایشان برگزیده می‌شد. اگر خدمت چنین شخصی رضایت بخش نبود، خود جماعت می‌توانست او را برکنار سازد. باوجود این این کلیساها صاحب رهبرانی ویژه نبودند بلکه اعضایی عادی که اعضای کلیسا ایشان را انتخاب کرده بودند بر برخی از مسائل کلیسایی نظارت می‌کردند.

کتاب مقدس در مورد اینکه بهترین روش اداره کلیسا کدام است به روشنی نظر نمی‌دهد. اگر نظری روشن و مشخص در کتاب مقدس وجود داشت، این اشکال مختلف پدید نمی‌آمدند. شاید بتوان گفت که هر چهار شیوه اداره کلیسا که در سطور فوق به آنها اشاره شد شیوه‌هایی مناسبند و مسیحیان صرفاً باید ببینند که با توجه به شرایط خاص ایشان، کدام شیوه برای ایشان مناسبتر است. با وجود این، دیدگاه ما در مورد نحوه اداره کلیسا هرچه باشد، نباید خواهر و برادر خود را بخاطر اینکه در این مورد دیدگاهی متفاوت دارد، محکوم کنیم. باشد که همه کلیساهای شیوه خاص خودشان اداره شوند اما علیرغم این موضوع مشارکت و همکاری بین ایشان ادامه داشته باشد.

کتاب مقدس به روشنی اذعان می‌کند که ما هر شکل رهبری را هم بپذیریم، این وظیفه برعهده اعضاست که به رهبران خود احترام بگذارند (اول تسالونیکیان ۵:۶). از ایشان اطاعت کنند (اول پطرس ۵:۵، عبرانیان ۱۳:۱۷). تعلیم رهبران باید آزموده شده و تحت بررسی قرار گیرد (اعمال ۱۷:۱۱، اول قرنتیان ۱۴:۲۹، اول یوحنا ۴:۱، مکاشفه ۲:۲). اما هر اتهامی که علیه یک رهبر مطرح شود تنها هنگامی پذیرفته می‌شود که توسط دو یا سه شاهد مطرح گردد (اول تیموتاؤس ۵:۱۹). و در نهایت این که در صورت امکان، ما باید از نظر مادی نیز رهبران خود را حمایت کنیم (متی ۱۳-۱۰:۹، اول قرنتیان ۱۱-۹:۳، اول تیموتاؤس ۱۸-۵:۱۷).

زنان در کلیسا

آیات اصلی

داوران ۴:۴ دבורه، نبیه و رهبر و داور در اسرائیل.

اعمال ۱:۱۴، ۲۶۴-۱، ۹-۲۱۱۸:۸-۱۶ زنان نیز روح القدس و عطای نبوت را می‌یابند.

رومیان ۷۱:۱۶ چنین بنظر می‌رسد که فیبی خادمه و نونیاس رسول بودند.

اول قرنتیان ۱۶-۱۱:۳ (خصوصاً آیه ۵) زنان دعا کرده و نبوت می‌کنند.

اول قرنتیان ۴۰-۱۴:۲۶ (خصوصاً آیات ۳۵-۳۴۲۶) زنان در جلسات بی‌نظمی ایجاد می‌کنند.

غلاطیان ۳۶۲۸-۲۶ مرد و زن در نظر خدا برابرند.

اول تیموتاؤس ۱۵-۱۱:۲ زنان نباید تعلیم دهند یا بر مردان مسلط شوند.

اول تیموتاؤس ۳۶۱۳-۱۱۴ زنان بعنوان خادمین در کلیسا خدمت می‌کنند.

زنان در کلیسا چه نقشی دارند؟

در طول تاریخ کلیسا به زنان اجازه داده نشده است تا در کلیسا نقش رهبری داشته باشند و معمولاً واعظین، معلمان و شبانان مردان بوده‌اند. با این حال در برخی نقاط جهان، گاهی زنان نقش رهبری را برعهده گرفته یا تعلیم داده‌اند. در چند صدسال گذشته زنان به شکل فزاینده‌ای خدماتی چون موعظه، تعلیم و شبانی کلیساها را برعهده گرفته‌اند. این امر در زمانی بوقوع پیوسته است که در بسیاری از جوامع نیز آزادی بیشتری به زنان داده شده است.

کتاب مقدس در مورد نقش زنان در رهبری کلیسا چه می‌گوید؟ پاسخ این است که کتاب مقدس جواب صریحی به این سؤال نمی‌دهد. بسیاری از کلیساها به زنان اجازه نمی‌دهند موعظه کنند یا خدمت شبانی را انجام دهند اگرچه بسیاری از همین کلیساها به زنان اجازه می‌دهند که بعنوان میسیونری موعظه کنند و تعلیم دهند. از

سوی دیگر امروزه، بسیاری از کلیساها نیز به زنان اجازه می‌دهند تا موعظه کنند، تعلیم‌دهند و حتی در سمت شبنانی و اسقفی خدمت نمایند.

دعا و نبوت زنان در کلیسا

در غلاطیان ۳:۲۸ پولس رسول به روشنی می‌نویسد که زنان و مردان در مسیح عیسی یک هستند. همه گناهکاریم و به فیض خدا نیاز داریم. در واقع غلاطیان ۳:۲۸ مهمترین آیه‌ایست که در مبارزات مسیحیان علیه برده‌داری جوامع غربی، به آن استناد شده است. با وجود این اگرچه زن و مرد در مسیح یک هستند اما این سخن بدین معنی نیست که در همه زمینه‌ها کارکردهای یکسانی دارند. زن و مرد در نظر خدا برابرند اما ممکن است در کلیسا نقشهای متفاوتی داشته باشند. به همین شکل اگرچه زون و شوهر هر دو باید مطیع یکدیگر باشند اما نقش آنان در ازدواج می‌تواند متفاوت باشد (به افسسیان ۲۳-۲۱:۵ و مقاله عمومی «ازدواج مسیحی» مراجعه کنید).

بابهای اول و دوم اعمال نشان می‌دهد که در هنگام نزول روح القدس در روز پنطیکاست بر شاگردان که باعث شد تا آنان قدرت بیابند، هم زنان و هم مردان یکجا حضور داشتند. پطرس در موعظه روز پنطیکاست از یوئیل نبی نقل قول می‌کند که می‌گوید خدا روح خود را بر غلامان و کنیزان خواهد ریخت و پسران و دختران نبوت خواهند کرد (یوئیل ۲۹-۲۸:۲، اعمال ۱۶-۲۶۱۸). در عهدعتیق زنان بسیاری وجود داشتند که نبوت می‌کردند (خروج ۱۵:۲۰، داوران ۴:۴، دوم پادشاهان ۹-۲۲:۸) /

در اول قرن‌تین ۱۲:۱۱، پولس رسول استدلال می‌کند که عطایای روح القدس به همگان داده می‌شود و نه فقط به مردان. و در اول قرن‌تین ۱۱۶۵، پولس در مورد زنانی سخن می‌گوید که در جلسات کلیسای قرنتس نبوت می‌کردند. هنگامی که پولس رسول می‌گوید زنانی که در جلسات کلیسای دعا و نبوت می‌کنند باید پوششی بر سر خود داشته باشند، از کلام او بروشنی می‌توان نتیجه گرفت که برای زنان دعا کردن و نبوت نمودن در جلسات کلیسای امری پذیرفته شده بود. پولس رسول می‌گوید که همه باید در جلسات کلیسای شرکت کرده و سهمی داشته باشند (اول قرن‌تین ۱۴:۲۶) که این سخن یقیناً شامل حال زنان نیز می‌شود.

زنان بعنوان شماسها و همکاران

بسیاری براین باورند که زنان می‌توانند در کلیسا خدمت شماسی را انجام دهند. در اول تیموتاؤس ۱۳-۸:۳ پولس رسول در مورد مردان و شوهران سخن می‌گوید. آیه ۱۱ همچنین به زنان اشاره می‌کند. در آیه ۱۱ زنانی که به آنان اشاره شده احتمالاً یا «همسران» شماسان هستند یا «زنان شماس» و دقیقاً مشخص نیست پولس رسول به کدامیک اشاره دارد از رومیان ۱:۱۶ چنین می‌فهمیم که پولس رسول زنی به نام فیبی را تحسین کرده و او را شماس یا خادمه می‌خواند (در ترجمه فارسی این واژه «خادمه» ترجمه شده است اما در یونانی این واژه همان واژه شماس است). در رومیان ۱۶:۱۲ و فیلیپیان ۳-۴:۲، پولس به همکاران دیگری اشاره می‌کند که زن هستند. نام پرسکلا و شوهرش اکیلا همیشه همراه با همدیگر ذکر می‌شود و بنظر می‌رسد که آن دو خدمت تعلیمی داشتند (اعمال ۱۸:۲۶). علاوه براین بسیاری از محققین براین باورند که در رومیان ۷:۱۶ نام «یونیا» به یک زن اشاره دارد (واژه یونانی هم می‌تواند اسم مؤنث باشد و هم اسم مذکر). اگر این اسم به یک زن اشاره داشته باشد، آنگاه پولس یک زن را رسول می‌خواند.

رهبران زن

حتی اگر هم زنان در خدمت شماسی مشغول باشند، سؤالی که کماکان باقیست این است که آیا می‌توانند در مقام شبان کلیسایی را رهبری کنند؟ کتاب مقدس پاسخی صریح به این سؤال نمی‌دهد در نتیجه امروزه کلیساهای مختلف در این مورد از سنن متفاوتی پیروی می‌کنند. بسیاری از مسیحیان به اول قرن‌تیاں ۳۵-۳۳:۱۴ و اول تیموتاؤس ۱۵-۲:۱۱ اشاره می‌کنند که در این آیات گفته می‌شود زنان باید خاموش باشند و اجازه ندارند تعلیم دهند و بر شوهرشان مسلط باشند. این آیات بروشنی در این مورد سخن می‌گویند لذا در بساری از کلیساها زنان تنها اجازه دارند به کودکان و زنان دیگر تعلیم دهند اما حق ندارند به مردان تعلیم دهند. تقریباً تمامی این کلیساها به زنان اجازه می‌دهند که در جلسات کلیسایی دعا کنند یا شهادت دهند و اکثر آنها نیز به زنان میسیونر اجازه می‌دهند تا در کلیساهای تازه تأسیس شده به مردان تعلیم دهند و برایشان موعظه کنند. مسیحیان دیگر این آیات را شکل دیگری تفسیر می‌کنند. آنان خاطر نشان می‌سازند که پولس رسول درحالی که این آیات به قرن‌تیاں می‌گوید که زنان باید خاموش باشند، در همان رساله به ایشان می‌نویسد که در هنگام دعا و نبوت کردن باید سر خود را بپوشانند (اول قرن‌تیاں ۱۱۶۵). بنابراین این مسیحیان براین باورند که معنای اول قرن‌تیاں ۳۵-۳۴:۱۴ نمی‌تواند سکوت و خاموشی کامل باشد. بلکه منظور پولس این است در طول جلسات زنان نباید نظم جلسه را درهم بریزند یا با صدای بلند سخن بگویند. این احتمال وجود دارد که در زمان پولس بسیاری از زنان عادت داشتند درست در وسط جلسات از شوهرانشان سؤال کرده یا ایشان را صدا کنند.

{P} - تفسیر دیگری که در مورد اول قرن‌تیان ۳۵-۳۴:۱۴ وجود دارد این است که این سخنان نقل قول‌های سخنان قرن‌تیان هستند. در بسیاری از قسمت‌های رساله اول قرن‌تیان پولس کلامی را از قرن‌تیان نقل قول می‌کند. آنگاه این سخنان را رد می‌کند (اول قرن‌تیان ۷۱۳:۸۱-۱۰۱:۲۳-۱:۳۱۲:۶۴:۱۲). مطابق این تفسیر، اول قرن‌تیان ۳۵-۳۴:۱۴ می‌تواند دیدگاه قرن‌تیان در مورد آیینها و مراسم حاکم بر جماعات یهودی باشد. اگر چنین باشد آنگاه آیه ۳۶ بیانگر دیدگاه پولس است که نظر آنان را رد می‌کند. در واقع در زبان یونانی ضمیر «شما» در آیه ۳۶ ضمیری است که در مورد جنس مذکر بکار گرفته می‌شود. بنابراین پولس رسول از مردان می‌پرسد: «آیا کلام خدا از شما (مردان) صادر شد یا به شما (مردان) به تنهایی رسید؟ در زبان یونانی این سؤالات بگونه‌ای مطرح شده‌اند که خواننده انتظار دارد پاسخی منفی به آنها داده شود. {P}

به همین شکل در مورد اول تیموتاؤس ۱۵-۲:۱۱ این گروه دوم مسیحیان معتقدند که پولس به تیموتاؤس می‌گوید که زنان تعلیم نیافته نباید بر مردان مسلط باشند بلکه باید مطیع بوده و تعلیم گیرند. این گروه بر این باورند که کلیسا می‌تواند تصمیم گیرد که به زنی که تعلیم یافته و معلم خوبیست، اقتدار تعلیم دادن بدهد. دبره در کتاب داوران نمونه‌ای از یک زن نیست که براساس اراده خدا یهودیان را رهبری می‌کند (داوران ۴:۴).

گروه سومی از مسیحیان نیز هستند که بر این باورند که سخنان پولس صرفاً خطاب به تیموتاؤس و قرن‌تیان و کلیساهای افسس در قرن اول نوشته شده‌اند. آنان بر این باورند که پولس هرگز این هدف را در ذهن نداشت که این اصول در کلیساهای عصر حاضر که فرهنگی متفاوت با عصر او دارند، بکار گرفته شوند. این گروه به فرستاده شدن برده‌ای از سوی پولس به سوی اربابش اشاره می‌کنند. پولس یقیناً با انجام این کار برده‌داری را تأیید نمی‌کند بلکه برعکس از نوع برخورد و محتوای کلامش می‌توان نتیجه گرفت که او از فلیمون انتظار دارد که برده‌اش را آزاد کند (فلیمون ۲۱-۱۷). پولس به همه سفارش می‌کند که همدیگر را در خدا ترسی اطاعت کنند و این تنها زنان نیستند که باید این عمل اطاعت را بجا آورند (افسیان ۵:۲۱). این مسیحیان خاطر نشان می‌سازند که عیسی موانع فرهنگی را هم شکست و برای همه آزادی به ارمغان آورد. از نظر آنان در جوامعی که قبلاً به زنان آزاده داده شده است، بی‌ایمانان با دیدن رهبران زن در کلیسا لغزش نخواهند خورد. بنابراین، این مسیحیان بر این باورند که در کلیسا نیز باید به زنان نقش رهبری داده شود.

اگر ابتدا در مورد این موضوع تنها به دو یا سه آیه توجه کنیم، موضوع آنقدرها هم که به نظر ساده بنظر می‌رسد، ساده نیست. در این مورد ما هر دیدگاهی هم داشته باشیم، نباید اجازه دهیم که سنت کلیساییمان، ما را از خواهران و برادرانمان که ممکن است پیرو سنت دیگر باشند، جدا سازند. هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک می‌باشید (غلاطیان ۳:۲۸).

